



معیارهای جامعه باید معیارهای شهید دلواری باشد...

مردم‌شناسی حماسه رئیس‌علی دلواری در گفت و شنود شاهد یاران با
دکتر جمشید صداقت کیش محقق و پژوهشگر تاریخ

درآمد

دکتر جمشید صداقت کیش پژوهشگر و محقق ۷۳ ساله کشور، دکترای خود در رشته مردم‌شناسی شاخه باستان‌شناسی را از آکادمی علوم تاجیکستان دریافت کرده است. دکتر صداقت کیش افزون بر ۴۰ سال از عمر خود را به مطالعه تاریخ فارس اختصاص داده و به بیان خود، و جب به و جب خاک فارس را برای مشاهده مستقیم و تحقیق پیموده است. یکی از آثار تحقیقی دکتر صداقت کیش که حاصل آن ۲۷ جلد کتاب شده، تحقیقی است در خصوص اماکن مذهبی (امامزاده‌ها) که از وجوه مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. او که به تازگی شصت و ششمین کتاب خود را به چاپ رسانده، در خصوص گیلان، بوشهر، اصفهان، زاهدان و دیگر مناطق ایران نیز مقالات و تحقیقات مفصلی را تدوین کرده است. از آنجا که تخصص دکتر جمشید صداقت کیش مردم‌شناسی است، موضوع گفت و گو با ایشان را به حماسه قیام رئیس‌علی دلواری در روایت‌های مردمی اختصاص دادیم تا حماسه این شهید اسطوره‌ای را از این منظر نیز به خوانندگان شاهد یاران معرفی کرده باشیم.

باید تاریخ مکتوب نداشته‌ایم و اگر چه نمی‌توان به طور کامل به اسناد خارجی رجوع یا اعتماد کرد و باز اگر چه رجوع به روایت‌های مردمی خالی از اشکال نیست، با این همه این تاریخ باید مورد تحقیق قرار بگیرد و حقایق آن آشکار شود. از این رو من هم با شما موافقم و معتقدم باید از مجموع این اسناد به تناقض‌ها پی برد و با حذف آن تناقض‌ها، حقایق را - تا جایی که ممکن است - کشف کرد. روایت‌هایی که از زبان مردم درباره رئیس‌علی دلواری شنیده می‌شود، در کنار دیگر اسناد کشف شده یا اسنادی که به تدریج به دست می‌آید می‌تواند ما را یک قدم به حقایق نزدیک‌تر کند، پس نباید بی تفاوت بود. رئیس‌علی دلواری بخشی از تاریخ ما را رقم زده و خدمت بزرگی کرده است. او در شرایطی که صرفاً یک چریک محسوب می‌شد، مقابل ارتش منظم و توپ‌ها و تانک‌های انگلیسی ایستاد و از کین و دین و وطن خود دفاع کرد. این، حقیقت به اثبات رسیده تاریخ است و زوایای نهان آن در اصل این قضیه تغییراتی ایجاد نخواهد کرد. این نکته که روایت‌ها قبل از جنگ ایشان را چگونه ترسیم کرده‌اند یا چه تناقض‌هایی دارند یقیناً در ادامه راه تحقیق آشکار خواهد شد اما نتیجه، هر چه که باشد، این حماسه را به قوت خود باقی خواهد داشت.

یکی از تفاوت‌های تاریخ مستند و قابل رجوع نوشتاری با روایت‌های مردمی در خصوص شهید رئیس‌علی دلواری، در تعریفی است که می‌توان از شخصیت ایشان به دست داد. در تاریخ مکتوب کمتر می‌بینیم به شخصیت فردی ایشان رجوع شود اما در تاریخ روایی مردم، اصولاً روی این نکته پافشاری می‌شود. در این خصوص چه مستنداتی دارید که به خوانندگان مشتاق ما ارائه بدهید؟

به طور کامل پاسخ در سؤال مطرح می‌شود. همان طور که اشاره کردید روایت‌های مردمی اصولاً روی وجه شخصیتی

باشد تا بتواند از منابع خارجی استفاده کند. متأسفانه، ما جز آثار و نوشته‌های فارسی به چیز دیگری رجوع نکرده‌ایم، در حالی که می‌دانید در آن زمان چند کنسولگری در بوشهر وجود داشته و تردیدی نیست که در آرشیو آن‌ها، در خصوص قیام رئیس‌علی دلواری هم توضیحاتی وجود دارد که می‌تواند بسیار مفید واقع شود.

این کار صورت گرفته! به عنوان مثال استاد زنگنه گزارش‌های روزانه را به چاپ رسانده و در حال حاضر گزارش‌های سالیانه کنسول انگلیس را در دست ترجمه دارند.

بسیار عالی! اما باید به اسناد کنسولگری‌های دیگر هم رجوع

رئیس‌علی دلواری بخشی از تاریخ ما را رقم زده و خدمت بزرگی کرده است. او در شرایطی که صرفاً یک چریک محسوب می‌شود، مقابل ارتش منظم و توپ‌ها و تانک‌های انگلیسی ایستاد و از کین و دین و وطن خود دفاع کرد. این، حقیقت به اثبات رسیده تاریخ است و زوایای نهان آن در اصل این قضیه تغییراتی ایجاد نخواهد کرد.

کرد. البته این نکته را همین جا یادآور می‌شوم که نمی‌توان صددرصد به گفتار آن‌ها رجوع کرد، چون حتی پس از سال‌ها، حقایق را آن‌گونه که بوده تمام و کمال نمی‌نویسند و به عبارت خودشان، اسرارشان را فاش نمی‌گویند. به هر حال در جمع‌بندی این موضوع باید بگویم، اگر چه ما چنان که

وقتی موضوعی تاریخ ساز عمری کمتر از یک قرن داشته باشد روایت‌های سینه به سینه نقش مهمی در انتقال آن ایفا می‌کند، به خصوص اگر آن موضوع تاریخی با عشق، حس وطن‌دوستی و البته گرایش‌ها و باورهای دینی پیوند خورده باشد. حماسه قیام رئیس‌علی دلواری از جمله مواردی است که تک تک این مشخصه‌ها را دارد و از این رو در دل مردم نسبت به آن احترام خاصی ایجاد شده است. از نظر شما، روایت‌های سینه به سینه‌ای که از این قیام و این شخصیت وجود دارد چه نقشی دارند و چگونه باید با آن‌ها مواجه شد؟

ایتالیایی‌ها ضرب المثلی دارند که به نوعی این موضوع را هم دربرمی‌گیرد. آن‌ها می‌گویند؛ گفته‌ها باد هوا می‌شود و نوشته‌های ماند.

خب، هدف ما هم این است که نگذاریم این گفته‌ها باد هوا شود و ثبت‌شان کنیم.

بله، این می‌تواند مسیر درست‌تری باشد، اما نکاتی هست که باید مدنظر قرار بگیرد. واقعیت این است که عمر تاریخ نگاری در سرزمین ما بیش از ۵۰ سال نیست، یعنی حدود ۵۰ سال است که تاریخ ما به صورت مکتوب درمی‌آید. اگر چیزی مثل تاریخ مکتوب نباشد، حقیقتاً موقعیت سردرگمی به وجود می‌آید و در کار تحقیق مشکلات بی‌نهایتی ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی این ناگزیری وجود دارد که به مردم رجوع شود و از روایت‌های ایشان چیزهایی ضبط شود. اما موضوع این‌جا است که در ساختار و بافت قبیله‌ای، گاه روایت‌ها دچار شدت و ضعف شده و حتی تا مرز وارونه جلوه دادن هم پیش می‌رود. این مسأله به امر تحقیق، لطمه‌های جبران ناپذیری وارد می‌کند. یاد هست زمانی که با جمال‌زاده نامه نگاری داشتیم در یکی از نامه‌ها ایشان این‌گونه نوشته بود که هر محقق در ایران باید حداقل به سه یا چهار زبان مسلط

را تأمین کند. البته در منابع و گزارش‌های کنسولگری انگلیس تلگراف‌ها و نامه‌هایی ثبت شده است اما این تلگراف‌ها و نامه‌ها از سوی دولت نبوده بلکه از سوی دولتمردان وقت بوده است. دولتمردانی که در کمال تأسف یا به سمت روس گرایش داشتند یا به سمت انگلیس. در ۱۲۹۵ پلیس جنوب یا همان Spr ظرف ۲ سال یازده هزار نیرو جذب می‌کند اما دولت مرکزی اصلاً دم نمی‌زند، چون یا اصلاً توان دم زدن نداشته یا دولتمردانی که گرایش به انگلیس داشتند برای حفظ منافع‌شان موقعیتی برای دخالت ایجاد نمی‌کردند. بنابراین، در آن دوران، مردم تنها و مستقل بودند. یقیناً کمکی دریافت نمی‌کردند و اگر دخالتی هم بود، به جهت حمایت نبوده. بخشی از حمایت گسترده مردم از کسی مانند رئیس‌علی دلواری هم به همین مسأله باز می‌گشته. چرا که این شیرمرد تنها حامی آن‌ها در آن مقطع بوده و مردم صرفاً روی او می‌توانستند حساب کنند.

هر چند جنبش‌ها و حرکت‌های بسیاری در ایران اتفاق افتاده و آزادمردان بسیاری در راه آزادی این مردم و این سرزمین قیام کردند و به شهادت رسیدند - که همواره به نیکی از آن‌ها یاد می‌شود - اما نام و یاد رئیس‌علی در این بین بیشتر بر زبان‌ها جاری است، به گونه‌ای که همه جای ایران شناخته شده است. دلیل این آوازه مردمی را در چه می‌دانید؟

همان‌طور که گفتید نام‌های نیک بسیاری در تاریخ ایران وجود دارد، نام‌هایی که هر یک بخشی از این تاریخ را ساخته‌اند، اما به چند دلیل نام رئیس‌علی دلواری بین مردم شناخته شده‌تر است؛ یکی از دلایل اصلی آن، دارا بودن مجموع شرایطی است که برای احراز چنین افتخاری لازم است. این شهید بزرگوار مرد بسیار مثبت و سردار و رئیس بسیار مردمی بود. همراه مردم بود و کنار آن‌ها زندگی ساده‌ای داشت. و البته ویژگی بسیار مهم رئیس‌علی، متدین بودن ایشان است، ویژگی‌ای که مردم را به او نزدیک‌تر می‌کرد. مسأله دیگر نوع قیام این مرد بزرگ است؛ قیامی که با استقلال آغاز می‌شود و پیروزی بزرگی همراه می‌آورد، طوری که دشمن کاملاً سردرگم می‌شود. نکته دیگر، بحث قدمت تاریخی این قیام است. قیام رئیس‌علی دلواری نسبت به سایر قیام‌ها، به ما بسیار نزدیک است و روایت‌های آن هنوز بر زبان‌ها جاری مانده به همین دلیل بیشتر بازگویی می‌شود و همین مسأله موجب برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های مختلفی شده که یاد و خاطره این شهید را زنده نگاه می‌دارد. و با این همه، در این بین یک نکته از همه مهمتر است و آن اهمیت خلیج همیشه فارس است که هنوز هم چشم سودجویان و استعمارگران به آن دوخته شده. این موضوع به خودی خود باعث می‌شود حماسه قیام رئیس‌علی و تجربه تلخ دشمن یادآور تکرار سرافکنندگی آن‌ها و سرفرازی ما باشد.

ممنون از اطلاعاتی که به ما دادید. خوب می‌دانم که آن‌چه در اندیشه و تحقیق شما هست بسیار وسیع‌تر از آن است که در این مجال مختصر بگنجد. بنابراین پایان سخن را به شما می‌سپارم. براساس درونیات‌تان، از حماسه قیام رئیس‌علی - آن‌گونه که شایسته می‌دانید - سخن را به پایان برسانید.

می‌خواهم به خوانندگان عزیز شما بگویم که باید بدانند پای هر سنگ و هر بوته خاک این وطن، خون یک شهید بزرگوار و حماسه آفرین ریخته شده است. برخی از این بزرگواران گمنام‌اند و برخی سردارانی پرآوازه چون رئیس‌علی دلواری هستند. آن‌چه ما باید انجام دهیم این است که به جامعه - از مدارس ابتدایی تا دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها - معیارها و ویژگی‌های کسانی چون شهید رئیس‌علی دلواری را منتقل کنیم تا لگوی نسل آینده‌مان باشند. ■

کسی است که حامی مردم شناخته می‌شود و مردم برای حل اختلافات، مشورت یا امر ازدواج و امور اقتصادی و غیره به او رجوع می‌کنند. بنابراین رئیس یک بار مفهومی و وجهه مردمی به خود می‌گیرد. در حقیقت، همین بار مفهومی است که موجب می‌شود کسی مانند رئیس‌علی دلواری نسبت به مردم احساس مسؤلیت کند و آنان حمایت کند.

دوم روحیه مردم ایران که در رویارویی‌ها به تدریج دوستی را می‌پذیرند. این روحیه مردم ایران برای همه آشناست. واسموس هم بنا به همین روحیه خیلی زود پذیرفته می‌شود و حتی آن مخالفت‌های مقطعی هم رنگ می‌بازد.

نهایتاً واسموس چه می‌شود؟
دقیقاً به خاطر ندارم اما تا جایی که حافظه‌ام یاری می‌کند پس از شهادت رئیس‌علی در بوشهر می‌ماند و مشغول کشاورزی می‌شود و فکر می‌کنم نهایتاً پناهنده بریتانیا می‌شود و همان‌جا تا پایان عمر اقامت می‌کند.

حین صحبت درباره واسموس اشاره‌ای به دولت مرکزی و واکنش آن نسبت به رئیس‌علی داشتید! لطفاً در خصوص واکنش دولت مرکزی نسبت به رئیس‌علی و برعکس، رئیس‌علی نسبت به دولت برای مان توضیح بدهید!
ببینید، با سقوط محمدعلی شاه و تاج‌گذاری احمدشاه در ۱۳۳۲ ه.ق به حدی اوضاع مملکت به هم می‌ریزد که ما نامه‌هایی از تجار وقت داریم که آرزو می‌کنند کاش ایران یک نادرشاه دیگر به خود ببیند. در این دوره به عنوان مثال راه میان بوشهر و شیراز تا حدی ناامن می‌شود چندان که هیچ قافله‌ای از گزند دزدان و راهزنان در امان نمی‌ماند. مسلماً ضعف شدید دولت مرکزی است که نمی‌تواند امنیت مردم

استوارتر است. مردم از همنشینی‌ها و همراهی‌های خود یا کسان خود با فرد مورد نظر می‌گویند و تعاریف خاص خود را ارائه می‌دهند، اما تاریخ به سندر رجوع می‌کند و نهایتاً اگر بخواهد تعریفی هم از شخصیت فردی ارائه دهد از دل اسناد تعبیر می‌کند. اجازه بدهید به نکته جالبی اشاره کنم؛ عنوان رئیس در جنوب، یعنی از بوشهر تا کازرون، بار مفهومی کاملاً متفاوتی با معنای مصطلح آن در فارس دارد. در فارس به کسی رئیس گفته می‌شود که به طور تجربی تا حدی به کار کشاورزی اشراف پیدا کرده است یا می‌تواند مسؤلیت یک گروه را به دست گیرد اما در بوشهر، رئیس چیزی هم‌سان خان است، با این تفاوت که از عنوان خان مفاهیمی چون ظلم و ستم ایفاد می‌شود اما در عنوان رئیس چنین مواردی وجود ندارد. در حقیقت رئیس یک مقام مردمی است. کسی است که حامی مردم شناخته می‌شود و مردم برای حل اختلافات، مشورت یا امر ازدواج و امور اقتصادی و غیره به او رجوع می‌کنند. بنابراین رئیس یک بار مفهومی و وجهه مردمی به خود می‌گیرد. در حقیقت، همین بار مفهومی است که موجب می‌شود کسی مانند رئیس‌علی دلواری نسبت به مردم احساس مسؤلیت کند و هنگام تجاوز انگلیسی‌ها، داوطلبانه از آنان حمایت کند. نکته قابل توجه این است که این افراد برگزیدگان مردم هستند. رئیس‌علی برگزیده مردم است و از ویژگی‌های یک برگزیده هم برخوردار است، مثلاً دروغ نمی‌گوید، روی حرفش می‌ایستد و انسان چشم پاک است. یک رئیس باید چشم پاک باشد چون شنونده اختلافات خانوادگی است. باید قابلیت جلب اطمینان در وجودش باشد و مسائل اخلاقی را کاملاً رعایت کند. ما، بین رهبران مان از این افراد بسیار داریم. به عنوان نمونه از رهبری یاد می‌شود که وقتی از خانه بیرون می‌رفته - مثلاً برای زیارت اهل قبور - همراه خود مقداری شکر می‌برده و بین راه، کنار لانه مورچه‌ها می‌ریخته. یقیناً رئیس‌علی دلواری هم از تبار چنین مردان بزرگی بوده و آوازه و نامش بی‌دلیل در دل‌ها لانه نکرده است. بنابراین، در روایات مردم که روی چنین مسائلی تکیه دارند، چنین گرایش‌هایی یافت می‌شود، اما اسناد تاریخی کمی خشک‌تر به یک فرد نگاه می‌کنند و کمتر از شخصیت او صحبت می‌کنند.

بنا به علم مردم شناسی، اگر مخالفت برخی از مردم با واسموس را در مقابل صمیمیت رئیس‌علی با وی بگذاریم، به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟

ببینید ما در طول تاریخ بارها از سوی روسیه و انگلیس خیانت و تجاوز دیده‌ایم. این سابقه تاریخی در ذهن و یاد مردم کاملاً نقش بسته چندان که تمام ناکامی‌های خود را از چشم این دو قدرت می‌دیدند. در این شرایط و با یادآوری این نکته که در دو مقطع تاریخی، این دو کشور قصد تجزیه ایران را داشته‌اند، کشور پا به میدان می‌گذارد. واسموس - هر چند برای منافع و اهداف خود- اما به هر حال با انگلیسی‌ها سر جنگ دارد. در چنین شرایطی واسموس که نماینده کشور خود است، برای منافع کشورش با رئیس‌علی که مردی صادق است دست دوستی می‌دهد و به او وعده کمک‌های بسیار می‌دهد. به یاد داشته باشید که رئیس‌علی از سوی دولت مرکزی حمایت نمی‌شده که هیچ، بلکه به عنوان شورشی هم از وی یاد می‌شده. بنابراین، وعده‌های واسموس می‌توانست شرایط را - به رغم مخالفت برخی - برای دوستی و نزدیکی رئیس‌علی با او فراهم کند، اگر چه وعده‌های او هرگز تحقق پیدا نمی‌کند.

با وجود این، امروز تعبیرات منفی زیادی از واسموس نمی‌شنویم!

واسموس هم به هر حال بین این مردم زندگی می‌کند و به نوعی با آن‌ها عجین می‌شود تا جایی که اموال خود را کاملاً وقف مردم می‌کند. به هر حال در این بحث باید به دو نکته توجه کرد؛ اول اینکه مردم نسبت به انگلیس‌ها و روس‌ها و

